۲۹٥ - ای سمی ذبیح جانفشانی کار تست و شتافتن بقربانگاه عشق سزاوار تو تا مظهر و فدیناه بذبح عظیم گردی این سبیل سبیل حقست و عشق و محبت جمال مطلق جانبازیست و تحمل صد هزار بلایا و جان گدازی در قرآن میفرماید أم حسبتم أن تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء و الضراء حضرت نقطه اولی و حضرت جمال ابهی اسم اعظم کبریا در آغوش بلا جمیع ایام را بگذراندند دیگر چگونه ما توانیم تصور راحت و آسایش نمائیم مگر بکلی چشم از وفا بپوشیم و راه جفا پیمائیم خدایا آنچه برای اسم اعظم مقدر و مقرر فرموده بودی این عباد را جامی از آن صهباء بنوشان و سرمست بگردان تا پی آن یار مهربان گیریم و بملکوت ابهی صعود کنیم انک انت الکریم الوهاب و انک انت الرحمن الرحیم